گزارش

حسن هانی‌زاده: ایران و عربستان به توافق رسیده‌اند، به جز یمن

هیات سعودی در راه تهران با خبرهای توافق

ایران و عربستان در پله نهایی تفاهم!

آرمان ملی: روابط ایران و عربستان به کدام سمت می‌رود؟ آیا همان‌طور که از اخبار ماه‌های اخیر برمی‌آید دو کشور قصد بهبود روابط را دارند یا هنوز موانعی هست که به‌راحتی برطرف نمی‌شود. سخنگوی وزارت خارجه در آخرین نشست خبری خود با اشاره به چهار دور مذاکره بین هیات‌های ایرانی و عربستانی گفت: «گفت‌وگوهای ایران و عربستان بدون انقطاع ادامه دارد و قرار شده این گفت‌وگوها در فضای عمومی پیگیری نشود.» از سوی دیگر اگرچه چندی پیش حسین امیرعبداللهیان اعلام کرد که گفت‌وگوهای تهران و ریاض در مسیر درستی حرکت می‌کند و ایران و عربستان‌سعودی در برخی موارد به توافق‌هایی دست پیدا کرده‌اند، حال فیصل‌بن فرحان وزیر خارجه سعودی گفته است که گفت‌وگوها با تهران دوستانه بوده، اما پیشرفت ملموسی نداشته است. حسن هانی‌زاده کارشناس مسائل خاورمیانه درباره علت تناقضات صحبت‌های دو طرف مذاکره، به «انتخاب» گفت: «مذاکراتی که از شش ماه گذشته بین دو هیأت ایرانی و سعودی در بغداد آغاز شده، چند پرونده را در بر گرفته که بیشتر پرونده‌ها و مذاکرات حول مسائلی به نتیجه رسیده اما یک مسأله‌ای هست که هنوز به نتیجه نرسیده و آن هم جنگ عربستان علیه یمن است که هنوز به خروجی قابل قبولی نرسیده است.» وی ادامه داد: «در مورد روابط ایران و عربستان که در مدار بحث با هیأت ایرانی و سعودی در بغداد است، به نتایج ملموسی رسیده است که به نظر می‌آید هر دو طرف تمایل دارند که هر چه زودتر به سطح قابل قبولی برسد و سفارتخانه‌های دو کشور در پایتخت‌های ایران و عربستان بازگشایی و هیأت‌های دیپلماتیک ردوبدل شود. این نقطه تحول و آغازین برای از سرگیری مناسبات پایدار بین ریاض و تهران تلقی می‌شود. تا اینجا این مرحله به خوبی پیش رفته و عربستان هم تمایل دارد که مناسبات خود را از سر گیرد.» این کارشناس مسائل خاورمیانه، با تاکید بر اینکه عربستان‌سعودی به این نتیجه رسیده است که باید با سوریه و دولت بشار اسد به تعامل برسد، عنوان کرد: «نقش تخریبی عربستان در طول ده سال بحران سوریه بی‌نتیجه بوده و اگرچه آسیب‌های جدی بر سوریه وارد کرده و اینکه عربستان‌سعودی ده‌ها میلیارد دلار در طول این مدت دراختیار گروهک‌های تروریستی قرار داده اما الان شرایط سوریه به گونه‌ای است که دولت سوریه به سمت ثبات و استقرار حرکت می‌کند و گروهک‌های تروریستی شکست خورده‌اند.»

عربستان و حاشیه برای انصارا...

هانی‌زاده تصریح کرد: «در مورد لبنان و عراق هم تفاهماتی بین ایران و عربستان برای اینکه دو کشور نقش مثبت و سازنده‌ای برای حل مشکلات لبنان و عراق ایفا کنند، انجام شده. موضوع شورای همکاری خلیج‌فارس با توجه به اینکه عربستان بزرگ‌ترین کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس است، می‌تواند نقش سازنده‌ای در بهبود روابط ایران و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس ایفا کند ولی مسأله مهم که هنوز به عنوان چالش جدی در گفتمان ایران و عربستان وجود دارد، مسأله یمن است.» وی در این باره ادامه داد: «عربستان‌سعودی پس از شش سال جنگ علیه یمن و هزینه ۳۵۰ میلیارد دلار نتوانسته یک دستاورد میدانی و نظامی در یمن به دست بیاورد و در واقع ائتلافی هم که علیه مردم یمن شکل گرفته در حال فروپاشی است. بنابراین عربستان هم تمایل دارد به صورت آبرومندانه از یمن خارج شود و این جنگ را بدون اینکه متحمل هزینه‌های مالی و سیاسی شود به پایان برساند. ولی مشکل بعد از پایان جنگ است، زیرا عربستان تمایل ندارد که انصارا... و حوثی‌ها در ساختار یمن نقشی داشته باشند درحالی که ایران اعتقاد دارد بعد از پایان جنگ باید یک انتخابات برگزار شود و یک رئیس‌جمهور و پارلمان انتخاب شود و همه طیف‌های سیاسی در ساختار قدرت یمن مشارکت داشته باشند. طبیعی است که عربستان‌سعودی روی این مسأله، روی انصارا... و حوثی‌ها حساس است.» هانی‌زاده در پایان افزود: «این مسأله هنوز در مدار بحث است و نقطه ابهامی که وجود دارد همین جنگ یمن و مشارکت انصارا... در آینده یمن است که عربستان سعی می‌کند که انصارا... را به حاشیه براند و آنها را از ساختار قدرت محروم کند.»

اطلاعاتی از یک سفر

صفحه اینترنتی شبکه آلمانی «دویچه‌وله» یادداشتی تحلیلی درباره چرایی بهبود روابط پرتنش ایران و عربستان‌سعودی منتشر کرد. یادداشت شبکه دویچه‌وله با این عنوان منتشر شده است: «چرا هم‌اکنون روابط سعودی-ایران دارد گرم می‌شود؟» دویچه‌وله نوشت: «عربستان‌سعودی و ایران که رقبای منطقه‌ای هستند، در سال جاری میلادی (۲۰۲۱) بیشتر از کل پنج سال گذشته با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. چهار نشست در بغداد و یک دیدار در حاشیه مجمع عمومی سازمان‌ملل در نیویورک، نشان‌دهنده تداوم گرم شدن روابط دوجانبه است؛ روابطی که از سال ۲۰۱۶ متوقف شده بود.» به روایت این رسانه غربی، «در آن سال (۲۰۱۶) به دنبال اعدام شیخ‌نمرالنمر، روحانی شیعه از سوی ریاض، معترضان به نمایندگی‌های دیپلماتیک عربستان در جمهوری اسلامی ایران حمله کردند.» در بخشی از این یادداشت آمده که «گفته شده که یک هیات سعودی برای بازدید از دفاتر دیپلماتیک قبلی خود به تهران رفته است اگرچه (این سفر) به صورت رسمی اعلام نشده است.»

«آرمان ملی» سود و زیان سفرهای استانی رئیس جمهور را بررسی می‌کند:

سفرهای استانی؛ لمس مشکلات - وعده‌های بی‌پشتوانه

مسعود پزشکیان: عدم انجام وعده‌ها نارضایتی را افزایش خواهد داد

اسماعیل گرامی مقدم در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: تحریم‌ها بر سفرهای استانی اولویت دارد

آرمان ملی- حمید شجاعی: سال‌ها است که در میان روسای جمهور جا افتاده که برای سرکشی به استان‌های مختلف و آشنایی با مسائل و مشکلات مردم از غرب به شرق و از شمال به جنوب به سفرهای استانی می‌روند و در این سفرها نیز در دیدار با مردم و استقبال آنها قول‌ها و وعده‌های می‌دهند که بعدا عمل به آنها باری بر روی دوش دولت می‌شود. اکنون نیز این میراث به سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهور دولت سیزدهم رسیده و او از ابتدای روی کارآمدن تا کنون به ۵ استان سفر کرده است. این در حالی است که تجربه روسای جمهور سابق نشان می‌دهد که سفرهای استانی چندان آورده‌ای برای مردم ندارد. چه اینکه در دولت‌های سابق وعده‌هایی داده شده و عمل نشده است. مثلا وعده‌هایی مثل اعطای یک قطعه زمین ۱۰۰۰ متری به هر ایرانی یا ۳ برابر شدن یارانه‌ها، ارزانی پس از هدفمندی، حل کامل مشکل مسکن و صدها طرح دیگر در دولت احمدی نژاد بود که هیچ‌کدام به وقوع نپیوست. این در حالی است که بسیاری معتقدند که اگر در سفرهای استانی رئیسی نیز وعده‌هایی با دقت و کارشناسی شده داده نشود بعید نیست تجربه سفرهای استانی بی حاصل احمدی نژاد تکرار گردد. دو ماه از روی کار آمدن و استقرار دولت سیزدهم می‌گذرد و دولت همچنان درصدد ارزیابی شرایط جامعه و رصد مشکلات و پیدا کردن راه‌حل‌هایی برای مرتفع کردن آنهاست. این در حالی است که در این مدت کم رئیس‌جمهور تاکنون به ۵ استان سفر کرده و در این سفرها صحبت‌ها، وعده‌ها و مصوباتی نیز داشته است که به نسبت مدت زمان مشابه با روسای‌جمهور پیشین در این حوزه رکورددار است. در این راستا دو نکته مهم و حیاتی مطرح می‌شود که توجه به این دو نکته به خودی‌خود می‌تواند بخشی از مشکلات را حداقل در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حل کند. نخست اینکه امروز در شرایط حساس کنونی اولویت کشور چه مسائلی است و باید چه امور در صدر مسائل و مشکلات قابل حل کشور واقع شوند؟ نکته دیگر نیز اینکه اساسا هزینه و فایده این سفرهای استانی که قدرمسلم با صرف هزینه‌هایی نیز همراه بوده و خواهد بود، چگونه است و آیا این سفرها و هزینه‌های زمانی، مالی و... که از مسئولان می‌رود به نفع مردم و مصالح کشور است یا اساسا چندان تفاوتی بین رفتن به سفرهای استانی و تصمیم‌گیری از همان‌جا برای استان با ماندن در تهران و اتخاذ تصمیم از مرکز و ابلاغ آن به استانداران نیست؟ آنچه بسیاری از تحلیلگران بر آن معتقدند اینکه درخصوص پرسش نخست؛ امروز کشور درگیر مسائل مختلفی مثل مشکلات اقتصادی و معیشتی، تحریم، کرونا و... است که می‌طلبد برای حل این مشکلات و مرتفع کردن آن به تصمیم‌گیری درست، متمرکز و راهگشا روی آورد و از هرگونه کارهایی که به روزمرگی افتادن مشکلات دامن می‌زند، خودداری شود. کارشناسان بسیاری بر این باورند که تا زمانی که مسائل مهمی چون تحریم در کشور حل‌وفصل نشود، هر چقدر هم مدیران با صرف هزینه‌های زمانی و مالی به استان‌های مختلف سفر کنند نخواهند توانست آن‌طور که باید به حل مشکلات کشور همت گمارند، چراکه حل بخش اعظم مشکلات اقتصادی کشور وابسته به تحریم و تجارت خارجی کشور است. اگر این اتفاق رخ ندهد و تحریم‌ها برداشته نشود نخستین و مهم‌ترین جایی که آسیب می‌بیند ساختار اقتصادی کشور است و همین مساله نیز تاثیر مستقیم بر زندگی و معیشت مردم و ایجاد نارضایتی در آنها دارد. به عقیده کارشناسان، قبل از هر اقدامی بهتر است که مشکلات کلان کشور حل‌وفصل شود تا در ادامه بتوانیم به سایر ریز موضوعات مرتبط ورود کنیم. درخصوص پرسش دوم در مورد هزینه فایده سفرهای استانی نیز دو نوع رویکرد وجود دارد که هر کدام حل مشکلات را در اتخاذ آن رویکرد می‌بینند. رویکرد نخست این گونه است که رئیس‌جمهور و مجموعه دولت در مرکز نشسته و برای استان‌های مختلف بنا به شرایط اقلیمی، امنیتی و جغرافیایی آن استان تصمیم می‌گیرند و با ابلاغ مصوبات و دستورات به استاندار به‌عنوان نماینده دولت، پیگیری مصوبات خود در آن استان را از استاندار می‌خواهند. رویکرد دوم نیز مبتنی بر سفرهای استانی است. به این صورت که رئیس‌جمهور به همراه جمعی از وزرا و اعضای دولت به استان‌های مختلف سفر می‌کنند و با رصد شرایط و مشکلات استان و دیدار با مردم در همان‌جا دستورات و مصوباتی را برای اجرا ابلاغ می‌کند. این درحالی است که درست است در کنار مردم بودن و دیدار با مردم امر مطلوبی است و مردم را به دولت امیدوار می‌کند اما به عقیده عده‌ای اگر حتی در مرکز تصمیم اتخاذ گردد که وضع زندگی مردم بهتر شود به مراتب بهتر از درون مردم بودن و عدم تاثیر مثبت در زندگی آنها است.

از احمدی‌نژاد تا رئیسی

سفرهای استانی شاید با نام محمود احمدی‌نژاد رئیس دولت‌های نهم و دهم گره خورده و هر گاه که حرف از سفرهای استانی به میان می‌آید اذهان ناخودآگاه به یاد حضور احمدی‌نژاد در استان‌های مختلف می‌افتد. اکنون نیز این رویکرد از سوی سیدابراهیم رئیسی پیگیری می‌شود و او از ابتدای آغاز به کار دولت به سفرهای استانی می‌رود. این درحالی است که به قرائت ناظران در این گونه سفرها در بین استقبال مردم و فضای به‌وجود آمده از سوی رئیس‌جمهور و برخی وزرا وعده‌ها و شعارهایی داده می‌شود که کمتر کارشناسی شده است و پس از ماه‌ها نیز مشاهده می‌شود که چندان عزمی بر اجرای آن نیست و صرفا در حد یک مصوبه یا شعار باقی مانده است. درست مثل سفرهای استانی احمدی‌نژاد که در آن صدها مصوبه در حوزه‌های مختلف به تصویب رسید اما حتی نیمی از آن مصوبات نیز به مرحله اجرا نرسید. همین امر است که برخی مطرح می‌کنند رئیس‌جمهور پیش از سفرهای استانی به مسائل مهم‌تر که مقدم بر سفرهای استانی هستند دقت کند و پس از حل این مسائل سفرهای استانی در پیش بگیرد. نفس سفر استانی و دیدار با مردم نه‌تنها بد نیست بلکه خوب است اما در شرایطی که این سفرها با دستاوردهایی برای مردم نیز همراه باشد.

مصوبات احمدی‌نژاد اجرا نشد

یک نماینده تبریز در مجلس در رابطه با سفرهای استانی رئیس‌جمهور و درخصوص فایده سفرهای استانی برای مردم اظهار داشت: اینکه به‌عنوان یک مسئول به میان مردم می‌روند تا از نزدیک در جریان مشکلات و کاستی‌ها باشند فی‌نفسه قابل تقدیر است. اما اینکه این سفرها می‌تواند اثربخش و مفید باشد یا نه، به ساختار مدیریتی ما برمی‌گردد و همچنین به نوع مدیریتی که می‌خواهیم در آنجا اعمال کنیم مرتبط است. مسعود پزشکیان گفت: اصولاً سیاستگذاران یا روسا یک سیاستگذاری انجام می‌دهند و این مدیران صف هستند که باید آنها را اجرایی کنند و اهداف و وعده‌ها را تحقق ببخشند؛ در اینجا اگر رئیس دولت نتواند مدیران اجرایی، توانمند، کارکشته و عالم منصوب کند، این سفرها توقعات را بالا برده و به دلیل عدم انجام وعده‌ها نارضایتی را افزایش خواهد داد. اما اگر همزمان مدیرانی باشند که بتوانند سیاست‌ها را اجرایی کنند، می‌تواند خیلی تاثیرگذار باشد. وی در رابطه با مصوبات سفرهای استانی رئیس‌جمهور که از زمان احمدی‌نژاد باب شد، خاطرنشان کرد: گاهی این مصوبات غیرعلمی است، مصوبات زمان احمدی‌نژاد ۱۰۰ سال دیگر هم خیلی‌هایشان ممکن است اجرا نشوند چه برسد به اینها.

انگیزه رئیسی تبلیغاتی نیست

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب درخصوص هزینه و فایده سفرهای استانی اظهار داشت: اساسا سفر روسای دولت به مناطق نبایستی از چارچوب و شرح وظایف هر رئیس‌جمهوری خارج شود. اسماعیل گرامی‌مقدم به «آرمان ملی» گفت: من در مجلس هفتم شاهد سفرهای آقای احمدی‌نژاد با آن شرایط بودم. چرا که هدف‌گیری‌های او بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت. نکته دیگر اینکه وقت رئیس‌جمهور باید صرف مدیریت کلان کشور در حوزه وزرا، مدیران عالی کشور و استانداران باشد و وقت او بیشتر به این مسائل صرف شود. قائم مقام دبیر کل حزب اعتماد ملی بیان کردالان ما مساله تحریم‌ها را بر دوش ملت ایران داریم که بر سفرهای استانی اولویت دارد. لذا اساسا با وجود استاندار، فرماندار و بخشدار؛ رئیس‌جمهور با حضور در استان یا یک روستا به چه امری می‌خواهد رسیدگی کند، وی افزود: مسائل بسیار زیادی وجود دارد که می‌تواند برای تصمیم‌گیری در سطح کشور بر زندگی مردم بسیار تاثیرگذار باشد. گرامی‌مقدم تصریح کرد: انگیزه آقای رئیسی تبلیغاتی نیست و می‌خواهد خود مشاهده کند که چه موانعی بر سر عدم اجرای پروژه‌ها وجود دارد و به همین دلیل سفر می‌کند.

بی‌واسطه در میدان

معین‌الدین سعیدی، نماینده چابهار در مجلس در رابطه با سفرهای استانی گفت: «ما پیش از هر چیز از ایشان برای این اقدام مهم و ارزشمند تشکر می‌کنیم و تفکیک قائل هستیم بین رئیس‌جمهوری که شاید دو سال از خانه خود خارج نشده و رئیس‌جمهوری که هر آخر هفته به یک منطقه می‌آید و مشکلات یک منطقه را از نزدیک می‌بیند.» وی ادامه داد: «مسلما این سفرها باعث می‌شوند که مجموعه ارکان دولت با جنس مشکلات استان‌ها از نزدیک آشنا شوند و مردم هم بی‌پرده مشکلات خود را بیان می‌کنند.» این نماینده مجلس اظهار داشت: «یک نتیجه مهم در این سفرها برداشته شدن فاصله میان مردم و مسئولان است و وقتی مردم عالی‌ترین مقامات از جمله رئیس‌جمهور یا وزرای حوزه‌های مختلف را در میان خود می‌بینند، احساس دلگرمی کرده و به حل مشکلات امیدوار می‌شوند.»

سخنگوی قوه‌قضائیه اعلام کرد:

محکومیت سیف به ۱۰ سال و احمد عراقچی به ۸ سال حبس

آرمان ملی: از اواسط سال ۹۶ که نشانه‌های نوسانات بازار ارز مشخص می‌شود، احمد عراقچی، معاون ارزی وقت بانک مرکزی که تازه به این سمت منصوب شده بوده با هماهنگی رئیس بانک مرکزی تصمیم می‌گیرند برای مدیریت بازار آشفته ارز به جای اقدامات تخصصی و علمی، مقادیری ارز را به صورت محرمانه و غیررسمی به بازار قاچاق وارد کنند تا بتوانند قیمت‌ها را کنترل نمایند. در این مقطع میثم خدایی مشاور دفتر رئیس‌جمهور وقت، فردی به نام سالار آقاخانی را که یک جوان متولد ۷۰ و بی‌تجربه در این زمینه است به عراقچی معرفی می‌کند تا مسئولیت فروش ارز در بازار غیر رسمی را به صورت محرمانه بر عهده بگیرد. بعدها معلوم می‌شود خدایی برای انجام این کار رشوه‌ای کلان از آقاخانی گرفته بوده است. آقاخانی بدین ترتیب وارد همکاری با بانک مرکزی شده و اصطلاحا مشغول انجام معاملات فردایی در بازار غیر رسمی ارز می‌شود که توسط خود بانک مرکزی در آن مقطع غیر قانونی اعلام شده بود. آقاخانی در ابتدا برای ورود به این کار، ۲۰ میلیون درهم در حساب بانک مرکزی به عنوان سپرده و تضمین قرار می‌دهد که بعد از ۲ هفته این سپرده هم با دستور عراقچی به او بازگردانده می‌شود! بدین ترتیب در فرآیندی غیر شفاف و غیرقانونی که البته با اطلاع سیف رئیس کل بانک مرکزی بوده، در هر مرحله بین ۵ تا ۸ میلیون دلار از منابع ارزشمند ارزی کشور، به آقاخانی داده می‌شده و این روند مجموعا تا ۲۸ مرحله ادامه پیدا می‌کند.

پیامدهای تصمیم غلط بانک مرکزی

تصمیم غلط بانک مرکزی نه‌تنها به کنترل قیمت ارز هیچ کمکی نمی‌کند بلکه باعث قاچاق بی‌رویه ارز به خارج از ایران و هدر رفتن حدود ۱۶۰ میلیون دلار و ۲۰ میلیون یورو از منابع ارزی کشور می‌شود. آقاخانی نه تنها در یک اقدام کاملا انحصارطلبانه و غیرقانونی ارز دریافتی از بانک مرکزی را به جای توزیع در میان حدود ۶۰۰ صرافی رسمی در کشور تنها به ۱۵ صرافی می‌داده است، بلکه بخش قابل توجهی از آن را نیز به جیب دلالان و قاچاقچیان می‌ریخته و در این بین مصرف‌کننده واقعی بازار ارز هیچ بهره‌ای از این سرمایه کشور نمی‌برده است. بانک مرکزی به‌رغم اطلاع از نحوه توزیع ارز توسط آقاخانی، هیچ اقدامی صورت نداده است و در واقع در برابر این تخلفات چشم‌پوشی می‌کرده است.

دریافت ۲۸ مرحله ارز

آقاخانی در ۲۸ مرحله ارز را از بانک مرکزی دریافت می‌کند که فقط در ۶ مرحله عوامل نظارتی حضور داشتند و در سایر مراحل تقریبا هیچ نظارتی بر اقدامات او انجام نمی‌شده و تمام فرآیند از قیمت‌گذاری، تحویل، فروش و تسویه ارز دولتی با بانک مرکزی بر عهده خودش بوده است که این جزء خطاهای مهم سیف و سایر مدیران وقت بانک مرکزی در این پرونده است. نکته عجیب دیگر اینکه، بعد از دستگیری آقاخانی، بانک مرکزی به مراجع قضایی نامه رسمی می‌زند و خواهان آزادی او می‌شود. در آن نامه به مراجع قضایی اطلاعات غلط داده می‌شود و بانک مرکزی تلاش می‌کند مسیر پرونده را تغییر دهد که تنظیم‌کننده آن نامه جزء محکومان همین پرونده است. در نهایت ۱۳ مردادماه سال ۹۸ بود که نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده اخلالگران ارزی مرتبط با حوزه بانک مرکزی در شعبه دوم دادگاه ویژه مفاسد اقتصادی برگزار شد. پس از انجام رسیدگی‌ها و فرآیندهای قضایی، دادگاه درخصوص متهمان پرونده فوق‌الذکر اقدام به صدور رای کرد.

احکام قضایی اعلام شد

ذبیحا... خداییان سخنگوی قوه‌قضائیه دیروز (بیست و چهارم مهرماه) احکام صادره را به شرح زیر اعلام کرد: متهم ردیف اول، ولی‌ا... سیف، رئیس وقت بانک مرکزی متهم به برهم زدن نظم و آرامش بازار ارزی کشور و زمینه‌سازی برای خرید و فروش غیر قانونی ارز به میزان ۱۵۹ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار و ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو و همچنین اهمال و سوءمدیریت در دوران مسئولیت خود، به تحمل ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شده است. متهم ردیف دوم، سیداحمد عراقچی، معاون وقت ارزی بانک مرکزی نیز با همین اتهامات به‌تحمل هشت سال حبس تعزیری محکوم گردید. متهم ردیف سوم، سالار آقاخانی متهم به خرید و فروش غیرقانونی ارز و همچنین پرداخت رشوه به میثم خدایی، کارمند نهاد ریاست‌جمهوری وقت و سیدرسول سجاد مدیر وقت بین‌الملل معاونت ارزی بانک مرکزی، به‌تحمل ۱۳ سال حبس محکوم شد. میثم خدایی از دیگر متهمان این پرونده نیز به اتهام دریافت رشوه و مشارکت در خرید و فروش غیر قانونی ارز به تحمل پنج سال حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی معادل قیمت وجه ماخوذه و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم گردید. سیدرسول سجاد، مدیر وقت بین‌الملل معاونت ارزی بانک مرکزی نیز یکی از متهمان دیگر این پرونده است که به اتهام مشارکت در خرید و فروش غیر قانونی ارز و اخذ رشوه به تحمل هفت سال و هفت ماه حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی معادل قیمت اقلام دریافتی و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم شده است. این پرونده در مجموع ۱۰ متهم داشته که در میان آنها برخی دیگر از مدیران بانک مرکزی نیز وجود دارند که به حبس محکوم شده‌اند، ضمن آنکه برخی از این متهمان، پرونده‌های دیگری هم دارند که در حال رسیدگی در مراجع قضایی است. شایان ذکر است احکام صادر شده برای این محکومان قطعی و لازم‌الاجراست.

ابلاغ رای پرونده دوم نازنین زاغری

پرونده نازنین زاغری هم از آن پرونده‌های ادامه‌دار است و دیروز وکیل زاغری از صدور و ابلاغ رای پرونده دوم نازنین زاغری در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران خبر داد. به گفته حجت کرمانی بر اساس رای صادره در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، خانم نازنین زاغری به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری و یک سال منع خروج از کشور محکوم شده بود، به این رای اعتراض شد و پرونده به شعبه ۵۴ تجدیدنظر ارجاع گردید و نهایتاً دادگاه تجدیدنظر بدون برگزاری جلسه رسیدگی رای دادگاه بدوی را عیناً تایید کرده است. این وکیل دادگستری افزود: هرچند از نظر موکل و اینجانب رای صادره منطبق بر موازین قانونی و شرعی نمی‌باشد، ضمن تمکین از رای صادره، پس از ارسال پرونده به اجرای احکام و با توجه به پرونده سابق خانم زاغری، اقدامات قانونی لازم انجام خواهد پذیرفت.

سندی از ظلم تمدن باستان ارائه کنید

رئیس‌جمهور در سفر به استان فارس از مجموعه تاریخی تخت‌جمشید بازدید کرد و در سخنان کوتاهی اظهار کرد: «بناها و مواریث تاریخی نظیر تخت‌جمشید نشان از هنر والای ایرانیان از سده‌های گذشته دارد که امروز با گذشت قرن‌های متمادی همچنان مایه حیرت و ستایش است. پیام دیگر بنای تخت‌جمشید خطاب به ستمگران است که ببینند سرنوشت کسانی که به مردم ظلم می‌کنند، چیست.» این سخن رئیسی با واکنش‌هایی مواجه شد از جمله یک نماینده سابق مجلس. بهرام پارسایی در توئیتی نوشت: مستندات تاریخی گواه اقتدار تمدن پرافتخار ایران باستان، همراه با احترام به حقوق بشر و برابری اقوام و ادیان و زن و مرد است. اگر سندی درباره ظلم این تمدن کشف کرده‌اند، معرفی کنند و در غیر این‌صورت، از ایرانیانی که سخن اخیر ایشان را توهین به هویت ملی می‌دانند، عذرخواهی کنند.

حزب فراگیر اصلاحات آری یا خیر

اصلاح‌طلبان دارای احزاب زیادی هستند و بارها پیشنهاد شده که یک حزب فراگیر تشکیل شود. برخی موافق و برخی مخالف هستند مانند دیروز که جلال جلالی‌زاده نماینده سابق مجلس گفت: «به نظر من احزاب اصلاح‌طلب باید به یکی دو حزب فعال تبدیل شوند و اصلاح‌طلبان واقعی منفعت‌طلبی شخصی را کنار بگذارند و در راستای تقویت اصلاح‌طلبی برای تشکیل یک حزب فراگیر در کشور تلاش کنند تا بقای نماد اصلاح‌طلبی در کشور باشد.» اما چندی پیش محمدصادق جوادی حصار یک اصلاح‌طب دیگر می‌گوید: برای مواجهات بیرونی ضرورتاً باید یک جبهه واحد داشته باشیم که بتواند در فصل انتخابات و یا در مقاطع ضروری، نقش تعیین‌کننده برای حرکات داخل جریان اصلاحات را بر عهده بگیرد، اما اینکه احزاب اصلاحات همگی به یک حزب تبدیل شوند، شاید امکان‌پذیر نباشد. به نظر می‌رسد ۲ یا ۳ حزب قدرتمند با رویکردهای متفاوت و روشن اثرگذاری بیشتری خواهند داشت.

گفت و گو

نوذر شفیعی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

مرزهای شمالی «آنی‌ترین تهدید»

مرزهای جنوبی و شرقی، «تدبیر» می‌خواهد

ایران تمرکز سیاسی و نظامی بر مرزهای شمالی داشته باشد

در حوزه غرب، ایران ابتکارات سابق خود را به خرج دهد

آرمان ملی- سهیل ثابت: ایران در منطقه‌ای قرار دارد که از طرف‌های مختلف می‌تواند با تهدیدات گوناگون روبه‌رو باشد. از مرزهای شمالی و شمال‌غربی تحرکات آذربایجان با تحریک ترکیه و صهیونیست‌ها؛ در نوار مرز شرقی اتفاقات رخ داده در افغانستان، در مرزهای جنوبی نیز اتفاقات در عراق، عربستان و... و در مرزهای غربی نیز اتفاقات سوریه و سایر کشورهای عرب منطقه باعث شده تا ایران در یک سه ضلعی یا بهتر بگوییم چهار ضلعی تصمیم و اقدام قرار بگیرد. لذا هرگونه تصمیمی در این حوزه‌ها باید با درایت و هوشیاری و در نظر گرفتن منافع ملی اتخاذ شود. در این خصوص برای بررسی تحولات اخیر در مرزهای مختلف ایران «آرمان ملی» با نوذر شفیعی کارشناس شبه‌قاره و بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

تحولات اخیر مرزهای شرقی ایران در افغانستان، شمالی در آذربایجان و بعضا جنوبی در برخی کشورهای عربی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آنچه که به طور کلی مشخص است و از ظاهر امر برمی‌آید و اتفاق می‌افتد به‌نوعی در ظاهر به زیان ایران در حالا تمام شدن است. بدین علت که در هر حال اطراف منطقه‌ای که ایران در آن مستقر است به شکلی ناامن می‌شود و برخی از این ناامنی‌ها مستقیما منافع ملی ایران را تهدید می‌کند. حال اینها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. نخست؛ تهدیداتی که در جنوب ایران از جانب کشورهای حوزه جنوبی وجود دارد که سنتی است. این در حالی است که در طی چهل سال گذشته رابطه ایران با این منطقه دچار تنش بوده است. حال خوشبختانه علائمی شکل گرفته که نشان می‌دهد یخ‌های موجود در رابطه ایران و برخی کشورهای این منطقه که کشورهای اصلی هم هستند و به طور مشخص عربستان، در حال ذوب شدن است. بنابراین ضمن اینکه ما آن نگرانی‌های سنتی را از منظر نبود یک رابطه دوستانه در جنوب داشته و داریم اما اتفاقاتی حادث می‌شود که امیدوارکننده است. بخش بعدی به شرق ایران یعنی کشورهای افغانستان و پاکستان مربوط می‌شود. تحولاتی که در این منطقه شکل گرفته الزاما ضدایرانی نیست. یعنی نه طالبان و نه پاکستان اراده خصومت با ایران را ندارند. منتها در هر حال رفتارهایشان به‌نوعی غیر مستقیم محدودکننده ایران است. یعنی اگر اینها در پی منافع ملی خود باشند بدون خصومت با ایران بازهم به یک شکل‌هایی برای ایران محدودکننده است. دیگر منطقه‌ای که می‌توان از آن نام برد شمال ایران است که در حال حاضر حادترین تهدیدات را علیه ایران رقم زده است، چراکه مستقیما آنچه که اتفاق می‌افتد علیه منافع ملی ایران است. به نظر می‌رسد که ایران راجع به هر کدام از این ۳ منطقه باید سیاست‌های خاص خود را داشته باشد. در حوزه جنوب به سمت ابتکار همسایگی خوب حرکت کند. در حوزه شرق باید نوعی مدیریت بحران را اعمال کند به‌گونه‌ای که روابط شکننده و خصومت‌آمیزی میان ایران و طالبان و ایران و پاکستان اتفاق نیفتد. در حوزه شمال هم ایران باید تمرکز دیپلماسی و توانایی نظامی را متمرکز کند. چون همان‌طور که گفتم آنی‌ترین تهدید علیه ایران در این منطقه اتفاق می‌افتد. البته می‌شد منطقه دیگری را که منطقه غرب ایران باشد اضافه کرد که خوشبختانه منطقه غرب به‌رغم نوساناتی که ایجاد شده قابل کنترل است. هم نیروهایی که در آنجا مستقر شدند توانایی تغییر شرایط را دارند و هم این نیروها می‌توانند از به وجود آمدن تغییر شرایط به زیان ایران جلوگیری کنند. اینجا لازم است که ایران فقط ابتکار عمل‌های پیشین خود را به کار بگیرد و ظرفیت‌هایی را که در آنجا دارد به صورت استندبای فعال نگه دارد. این چارچوب‌های کلی است که می‌شود در آن تمام این تحولات را جمع کرد و به نتایجی رسید.

نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا، روسیه و حتی کشوری مثل چین در آسیای دور را در تحولات اخیر منطقه چطور می‌بینید؟

معمولا کمتر تحولی است که بتواند اتفاق بیفتد اما سطح سیستم را در آن نادیده بگیریم. بنابراین در هر آنچه که اتفاق می‌افتد قدرت‌های بزرگ خواسته یا ناخواسته نقش دارند. حال این نقش می‌تواند به چند حالت باشد. یا اینکه بخشی از این تحولات در راستای پروژه‌هایی باشد که آنها در راستای تامین منافع ملی خود تعقیب می‌کنند که اینجا در حقیقت نقش قدرت‌های بزرگ یک قدرت مخرب است. در اینجا به‌طور مشخص آمریکا در حال ایفای این نقش مخرب است. گاهی اوقات قدرت‌های بزرگ به این دلیل که ممکن است بحران‌های منطقه‌ای آنها را نیز درگیر کند و این موضوع منافع ملی آنها را به خطر بیندازد، به سمت مدیریت بحران حرکت کنند. در اینجا روسیه و چین این نقش را دارند. یعنی نقش مدیریت بحران و حتی جلوگیری از وقوع بحران. بنابراین سطح سیستم این‌گونه بر سطح منطقه تاثیرگذار است. لذا آمریکایی‌ها تلاش خواهند کرد که در ناحیه شرق، شمال و جنوب در یک رفتار خصومت‌آمیز نسبت به ایران تهدیداتی را علیه کشورمان به وجود بیاورند. ولی در عین حال به نظر می‌آید در شمال و شرق که کشورهایی مثل روسیه و چین و به طور مشخص در شمال روسیه و در شرق چین با ایران هم موضع خواهند بود و در تهدیدات و فرصت‌هایی که به وجود می‌آید دقیقا مثل ایران می‌توانند عمل کنند.

به جهت اولویت‌بندی تهدید برای ایران کدام منطقه را در اولویت اقدامی و عملکردی ایران در جهت حل بحران می‌دانید؟

فعلا آنی‌ترین تهدید علیه ما تهدید شمالی است که در یک نقطه عطف قرار دارد و نوع رفتار ایران می‌تواند این بحران را برای بلندمدت یا همیشه تحت‌تاثیر قرار دهد. اینجا نیازمند این است که ایران به طور جدی‌تر، هم توانایی‌های خود را فعال کند و هم بازیگرانی که در این منطقه صاحب نقش هستند مثل روسیه را فعال ک